

ویرایش علمی و ادبی، آن هم به گونه‌ای حداقل، بر آن نگذاشته است.

حلقه مفقوده این کتاب در کجاست؟ حلقه مفقوده او بسیار هم مفقوده! «تاریخ تحلیلی شعر نو» ایجاز محققانه است. و این، وسیع‌ترین نظری است که می‌توان درباره این اثر ابراز داشت. هر چند دقیق‌تر آن است که بگویم مولف در برابر منابع و مآخذ بسیار و گونه‌گون و فراگیر کارش، ناشکیبی و گاه بی حوصلگی غریبی از خویش نشان داده است. تمایلی برای تلخیص و تحلیل منابع و مآخذ، و استفاده از آن‌ها در ضمن پژوهش به دید نمی‌آید. غالباً ترجیح داده می‌شود که پس از چند جمله مثبت یا منفی با تحلیل یا بی آن درباره دفتر شعر یا مجموعه یا مجله‌ای مربوط به شعر نو، به نقل بخش‌های مفصلی از آنها اکتفا شود. یعنی در عمل یکی از مثبت‌ترین ویژگی‌های پژوهش و تاریخ‌نویسی علمی، به یکی از منفی‌ترین خصوصیت‌ها تبدیل می‌گردد. بدین ترتیب کلیت اثر از حد یک پژوهش تاریخی - ادبی درست، منطقی و متعارف کاملاً دور می‌شود. یعنی در واقع انبوه مواد خام و اولیه بی‌پیوند و ترکیب و هضم در نثر و نگاه و مجموعه اثر مولف، در کنار هم گرد آورده شده‌اند. این ضعف تالیف آشکار موجب شده تا کتابی که حداکثر می‌بایست در دو جلد و اندکی فراتر از ۱۰۰۰ صفحه باشد به چهار جلد و اندکی فروتر از ۳۰۰۰ صفحه رسیده است.

گذشته از این باید اشاره کرد که در این کتاب چهار جلدی مفصل، ما با شناخت موضوعی، جریان شناختی و منسجمی که واجد صفت‌هایی چون محققانه، یا دورتر منتقدانه و ژرف باشد، روبه رو نیستیم. مولف صرفاً به گزارش دفتر به دفتر و نشریه به نشریه شعر و نقد نو می‌پردازد. تکیه بیش از حد [و شاید کامل] بر این

روبرو بود، فراز و فرودهای تحقیق او اندک نبود. این دشواریها و فرازها و فرودها با یاری صاحب نظران فرهنگی موسسه فرانکلین [در زمینه ادبی به طور عمده: «احمد سمعی گیلانی»] تا حد زیادی رفع شد. و حاصل آن شد که اثر جالب و از برخی جهات ممتاز «یحیی میرزا دانش» پیشین، و «یحیی آرین پور» کنونی قبول خاص و عام یافت. در حالی که این اتفاق برای تکمله اثر ادیب و پژوهنده تبریزی که برخی آن را جلد سوم خواندند [از نیما تا روزگار ما، زوار ۱۳۷۴، ۶۳۸ ص]، به ظهور نیبوست. دلیل چه بود: انتشار کتاب پس از درگذشت مولف، عوارض سال‌های کهولت عمر و بیماری، آسان‌گیری در ویرایش و تنظیم کتاب و یا بها دادن به جدال‌ها و نوشته‌های مطبوعاتی؟ سبب هر چه باشد این تکمله یا جلد سوم، به هیچ روی از اعتبار دو جلد کتاب ۱۳۵۱ برخوردار نگشت. ان.ک: کامیار عابدی، هستی، س ۳، ش ۴، زمستان ۱۳۷۴، صص ۱۶۲-۱۶۶، نیز مقایسه شود با: احمد کریمی حکاک، جهان کتاب، س ۳، ش ۲۳-۲۴، دی ۱۳۷۷، ص ۱۹.

«از صبا تا نیما» اگر از بدترین موضع ممکن یا غیرممکن هم نگریسته شود و به لحاظ بینش و آفاق دید مولف [که غالباً کلاسیک است، و گاه نوکلاسیک، و گاه نیز مبتنی بر برداشت بسیار محدودی از رئالیسم] اکنون قابل بررسی و نقد جدی باشد، از نظر شیوه پژوهش و تاریخ ادبیات‌نویسی، در مجموع اثری ارزشمند و قابل اعتناست. درست برخلاف اثر چهار جلدی تازه‌ای که در زمینه شعرنوی فارسی منتشر شده؛ این کتاب را شاعر معاصر، شمس لنگرودی [متولد ۱۳۳۰] تالیف و در واقع گردآوری کرده است. شیوه پژوهش و تاریخ نگاری ادبی جدید اصولاً در تالیف «تاریخ تحلیلی شعر نو» ی فراتر از ۲۸۰۰ صفحه «لنگرودی» مورد توجه قرار نگرفته؛ تیغ

در اواخر دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، پیرمردی تبریزی که از چندین سال پیش، به دلیل کار اداری در پایتخت اقامت گزیده بود، از پله‌های یک موسسه انتشاراتی معتبر بالا می‌رفت. او دست نویس پژوهش دراز دامنی را که درباره ادبیات فارسی سده‌های پیش عمدتاً دوره قاجاریه انجام داده بود، در دست داشت. این پیرمرد «یحیی آرین پور» [۱۲۸۲ - ۱۳۶۴] بود و آن موسسه انتشاراتی هم فرانکلین.

«آرین پور» از نسل دانش آموخته پس از مشروطه بود و به شیوه‌ای پیگیرانه و در مجموع قابل تحسین، از آغاز جوانی جریان فرهنگ و ادب ادوار متاخر را با کنجکاو و مطالعه‌ای شخصی دنبال کرده بود. پژوهشی که او حداقل دو دهه بر روی آن باریک شده بود، سرانجام به سال ۱۳۵۰ در دو جلد قطور و با عنوان «از صبا تا نیما» [تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی] نشر یافت. اما البته نه به همان صورتی که وی در ابتدا برای انتشار آماده ساخته بود. و نکته اساسی هم در این‌جاست. زنده یاد آرین پور با شیوه تحقیق و تاریخ‌نویسی جدید به حد کافی آشنا بود و نمونه‌های سنجیده و روشمند مغرب زمینیان و شرقی‌ها را خوب می‌شناخت. ولی وی در نظم بخشیدن به اندوخته‌های ذهنی و گردآوری‌های ادبی خویش با دشواریهایی هم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تاریخ تحلیلی شعرنو

شمس لنگرودی (محمدتقی جواهری گیلانی)

۴ ج، نشر مرکز، ۱۳۷۷؛ نه + ۶۴۹ + ۵۱ + ۶۹۹ + دوازده + ۷۸۴ + یازده + ۶۷۰ ص.

موضوع، کتاب را تا حد روایت از زمینه مورد بحث پایین می‌آورد. اگر این نکته را در کنار نقل قولهای طولانی و بی حد و حصر اثر قرار دهیم، به راحتی می‌بینیم که مولف از برگزیدن شکل و شیوه‌های متناسب با یک تاریخ تحلیلی و علمی و اصولاً تاریخ ادبیات نویسی جدید آباورزیده است. از این رو حتی آنان که آگاهی‌های کتاب‌شناسانه «تاریخ تحلیلی شعر نو» را درخور توجه و سنجش می‌یابند (و من هم از زمره ایشانم) به هیچ روی نمی‌توانند (این کتاب را تاریخی تحلیلی [Analytic History] بدانند، بلکه تنها بر این نظر خواهند بود که گردآورده‌های لنگرودی، گزارشی [Report] است سال‌شمارانه و زمانی [Chronological]، و روایتی [Narration] کتاب‌شناسانه [Bibliographical] از شعر نو در ایران و نقدهای نوشته شده بر آن.

از چشم‌اندازی دیگر، بی تردید منصفانه باید تاکید ورزید که کنجکاوی و کوشش مولف برای دستیابی و گردآوری بخش اعظم ادبیات شعری جدید ایران در یک صد سال اخیر شایسته تحسین است. به ویژه این که بسیاری از دفترهای شعر، مجموعه‌ها و مجلات مورد نظر، در هیچ یک از کتابخانه‌های معتبر یا نیمه معتبر ایران به تمامی یا به نیمه به دست نمی‌آید و حتی کمتر صاحب این قلم که در ده سال اخیر، به گونه‌ای عمده با فرهنگ و ادب دوره مشروطه و معاصر سروکار داشته است، نمی‌تواند از ستایش این کار دشوار، وقت‌گیر و عاقبت‌سوز (که غالباً از طریق مجموعه‌ها و کتابخانه‌های خصوصی پی‌گرفته شده) خودداری ورزد. البته پیش از این، از مولف اثر، پژوهش‌هایی در زمینه سبک‌های (گردباد شور جنون / ۱۳۶۶) و نهضت بازگشت ادبی سده‌های دوازده و سیزده هجری (مکب بازگشت / ۱۳۷۲) نشر یافته بود. اما وی غالباً، به سبب

دفترهای شعرش در دهه شصت (در مهتابی دنیا / ۱۳۶۳، خاکستر و بانو / ۱۳۶۵، جشن ناپید / ۱۳۶۷، قصیده لبخند چاک چاک / ۱۳۶۹) شناخته شده، هر چند پیش از دفترهای یاد شده مجموعه‌ای از سروده‌های آغازین (رفقار تشنگی / ۱۳۵۵) و بعد از آنها هم داستانی از او منتشر شده است (رژه بر خاک پوک / ۱۳۷۲).

به آغاز این نوشته کوتاه بر می‌گردیم: پیرمردی که در اواخر دهه ۱۳۴۰ از پله‌های آن موسسه انتشاراتی بالا می‌رفت، سرانجام کتابی را به اهل فرهنگ و ادب عرضه کرد که پس از گذشت بیش از ربع قرن، و به رغم تحقیق‌ها و مطالعه‌های جدیدتر، هنوز اثری مطمئن و کلاسیک و تحقیقی تاریخی و ادبی برای مطالعه و آموزش فرهنگ و ادب دوره قاجار، و به ویژه عهد مشروطه به شمار می‌آید. اما با احترام و نیک دلی آمیخته با تأسف باید گفت که «تاریخ تحلیلی شعر نو» به رغم کوشش‌ها و زحمات‌های گسترده در گردآوری منابع و مآخذ، هرگز شایستگی ارتقاء به چنین جایگاهی را دارا نیست. این اثر به صورت کنونی، تنها مرجعی است کتاب‌شناسانه و گزارشی است سال‌شمارانه، برای شناخت منابع و مآخذی که در راه تحقیق و پژوهش جدی، جریان شناختی و تاریخ نگاری تحلیلی و در جزئیات یا کلیات این موضوع مورد نیاز است و نه بیش‌تر!

«این نوشته همانگونه که در عنوان فرعی‌اش آمده تنها (نکته‌ای کوتاه) [اما بنیادین] است درباره کتابی مفصل بررسی چشم‌اندازها و نظرگاه‌های مختلف کتاب‌های نقد و بررسی جداگانه و بسیار مفصلتری دارد.

مثل خطی از هبوط، مثل سطری از کویر

انتشارات مروارید، در آخرین روزهای اسفند، گزینه اشعار «قیصر امین‌پور» را، در ادامه انتشار شعرهای برگزیده شاعران نسل دیروز و امروز، روانه بازار نشر کرد. امین‌پور در قالب‌های گوناگون شعری همچون غزل، شعرنو، رباعی، دوبیتی و... آثار درخشان آفریده است. علاوه بر این پس از انقلاب، امین‌پور به همراه شاعر دیگری از این نسل، «حسن حسینی»، قالب مہجور رباعی را جان تازه‌ای بخشیدند و آثاری درخشان در این قالب خلق کردند؛ هرچند که پس از مدتی، قالب رباعی، بار دیگر در میان این شاعران و شاعران دیگر، مہجور افتاد:

این دل به کدام واژه گویم چون شد

کز پرده برون و پرده دیگرگون شد

بگذر بگویمت که از ناگفتن

این قافیه در دل رباعی خون شد

گزینه اشعار قیصر امین‌پور از چند بخش تشکیل شده: از این حرف‌ها (مقدمه)، پنج پرسش بی‌پاسخ (درباره شعر)، ۱۶ شعر از تازه‌ها، ۲۷ شعر از آینه‌های ناگهان (دفتر اول)، ۹ شعر از «آینه‌های ناگهان» (دفتر دوم)، ۹ شعر از «تنفس صبح» و ۱۴ شعر از «در گوچه آفتاب».

یکی از ویژگی‌های این گزینه، آن است که تعدادی از سروده‌های جدید امین‌پور را نیز در بردارد. بنابراین خوانندگان، علاوه بر اینکه اغلب شعرهای خوب امین‌پور را در این کتاب می‌یابند، از تازه‌ترین کارهای او هم باخبر می‌شوند.

گذشته از این، «پنج پرسش بی‌پاسخ» یکی از بخش‌های جذاب این گزینه است. امین‌پور در این نوشته که اول بار در «کتاب صبح» (شماره ۳؛ بهار ۱۳۶۸) به چاپ رسیده است، با زبانی شاعرانه از شعر سخن می‌گوید. و در قالب یک نامه به این پرسش‌های بی‌پاسخ، پاسخ می‌دهد: شعر چیست؟ نخستین شعر را چه کسی سروده است؟ نقطه شروع شعر شما در چه زمانی بوده است؟ در لحظه سرودن شعر چه احساسی دارید؟ شاعر و نویسنده به چه کسی می‌گویند؟ و آیا در نویسندگی و سرودن باید همه قواعد فنی مثل دستور زبان را رعایت کرد؟

خواندن بخشی از این نوشته، ما را بیشتر با حال و هوای نثر امین‌پور آشنا می‌کند:

«رنکی سرودن فعلی است که حتی بزرگ‌ترین شاعران هم نمی‌توانند با قطعیت آن را در صیغه مستقبل صرف کنند و بگویند: من فردا یا پس فردا شعری خواهم سرود. و شاعر هرچه توانا تر باشد، در گفتن چنین جمله‌ای ناتوان‌تر است. زیرا درست مثل آن است که کسی بگوید: من در سوم مهر ماه پنج سال دیگر در ساعت ده و نیم صبح، شدیداً عارف یا عاشق خواهم شد...»

نکته ای کوتاه درباره کتابی مفصل

کامیار عابدی

گزارشی سال شمارانه، روایتی کتاب‌شناسانه